

الزامات راهبردی جمهوری اسلامی در مدیریت بحران جنگ نرم

شهر روز شریعتی^۱

محمد عظیمی طرقدری^۲

تاریخ دریافت: ۹۳/۳/۴

تاریخ پذیرش: ۹۳/۹/۱۸

چکیده

با وجود آن‌که ماهیت بحران‌های فرهنگی با بحران‌های حاصل از حوادثی نظیر آتش‌سوزی، سیل و زلزله به میزان معتنابهی متفاوت است، اما به نظر می‌رسد بحران‌های فرهنگی از آن حیث که مخاطرات و خسارات جبران‌ناپذیری در میان‌مدت و درازمدت به اندوخته و سرمایه اجتماعی ملت‌ها وارد می‌کنند، باید در شمار بحران‌هایی ارزیابی شوند که مستلزم مدیریت موشکافانه است. در همین حال، از آن‌جا که عنصر فرهنگ نقش غیرقابل‌انکاری در پیروزی انقلاب اسلامی ایران و تداوم آن داشته و دارد، و به عنوان عنصری محوری و مسلط در تمامی مناسبات و تحولات اجتماعی عمل می‌کند، دشمنان جمهوری اسلامی همواره می‌کوشند با نفوذ و اشاعه فرهنگ غربی، موجب ایجاد بحران در کشور از طریق تغییر باورها و نگرش و رفتار مردم شوند و استقلال کشور و دستاوردهای انقلاب را به مخاطره اندازند. این در حالی است که برای تحقق مدیریت بحران‌های فرهنگی و یا پیشگیری و مصونیت جامعه از فرهنگ مهاجم، راهبردهای جامع تدوین نشده است. هدف این مقاله تدوین راهبردهای بهینه برای مدیریت بحران و مصون‌سازی جامعه از آسیب‌پذیری در مقابل تهاجم فرهنگی و نفوذ فرهنگ اجانب است. به عنوان یک تحقیق موردی زمینه‌ای و با استفاده از روش میدانی، پس از بررسی دیدگاه‌ها و نظرات مختلف و مطالعه محیطی از طریق ارسال پرسشنامه و انجام مصاحبه و نیز بهره‌گیری از تکنیک دلفی نقاط قوت و ضعف، و آسیب‌پذیری‌های فرهنگی، و نیز فرصت‌ها و تهدیدات فرهنگی احصا شده است و راهبردهای مدیریت بحران جنگ نرم و مصون‌سازی جامعه در برابر تهاجم فرهنگی و ایجاد امنیت فرهنگی ارائه می‌شود.

کلیدواژه: جنگ نرم، مدیریت بحران، تهاجم فرهنگی، راهبرد، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

۱. استادیار گروه علوم سیاسی (مسائل ایران) دانشگاه تربیت مدرس، shariati@modares.ac.ir
۲. دانشجوی دکتری مدیریت راهبردی پدافند غیرعامل دانشگاه عالی دفاع ملی، M.azimi.t@gmail.com

فرهنگ به عنوان عنصری مسلط در روابط اجتماعی نقشی بسیار مهم و اساسی دارد و مفاهیمی چون قومیت، زبان، هویت، و... را در بر گرفته است. در واقع فرهنگ شیوه رفتار و کنش و واکنش مردم یک جامعه را تعیین می‌کند. در این میان، فرهنگ‌های پویا و مسلط تلاش می‌کنند که این تفاوت‌های فرهنگی را به نفع فرهنگ خود کمرنگ کنند و در نهایت از میان بردارند. تلاش غرب برای تغییر نگرش ملت‌ها در همین چارچوب ارزیابی می‌شود. از این منظر فرهنگ توده‌ای غرب می‌کوشد روحیه، عقاید و باورها و فرهنگ مردم را هدف قرار دهد و با استفاده از روش‌های پیچیده اقناع افکار عمومی و بهره‌گیری از صنایع فرهنگی و به صورت غیرمستقیم آموزه‌های فرهنگی خود را اشاعه دهد و باورهای مردم را تضعیف و توان مقاومت و پایداری اعتقادی آنها را در هم شکند و میل به ایجاد تغییر و پذیرش ارزش‌های جایگزین را افزایش دهد. در همین حال، استفاده از قدرت نرم برای اعمال نفوذ و اقتدار عامل مهمی در اثربخشی مدیریتی تلقی می‌شود. قدرت اعم از سخت یا نرم از مفاهیم اساسی علم سیاست و مدیریت محسوب می‌شود و دانش سیاسی آن‌چنان که هانس مورگنتا^۱ تصریح می‌کند، علم کسب، حفظ و اعمال قدرت است (مورگنتا، ۱۳۷۴: ۵۹-۵۷). از منظر دیگر قدرت پدیده‌ای جاری در زندگی اجتماعی است (گیدنز، ۱۳۸۲: ۲۳۵). ماکس وبر^۲ قدرت را در مناسبات اجتماعی می‌یابد و آن را بر اساس «موقعیت شخص در یک رابطه اجتماعی نابرابر که بتواند خواست خود را با وجود هر مقاومتی اعمال کند» تعریف می‌کند (آرون، ۱۳۷۰: ۵۹۸). از سوی دیگر برتراند راسل^۳ نیز ضمن پذیرش ماهیت اجتماعی قدرت، این پدیده را با «انرژی» در فیزیک مقایسه می‌کند و معتقد است که قدرت همانند انرژی دارای اشکال گوناگونی نظیر ثروت، سلاح، نفوذ معنوی، مقام و موقعیت اجتماعی است (راسل، ۱۳۶۲: ۱۲).

«استیون لوکس»^۴ هم در کتاب «قدرت، نگرشی رادیکال» به بررسی دیدگاه نظریه‌پردازان مختلف در موضوع قدرت می‌پردازد و تقسیم‌بندی قابل توجهی ارائه می‌دهد که بررسی آن می‌تواند برای فهم بهتر مفهوم قدرت سودمند و قابل تأمل باشد. وی ضمن تقسیم نگرش‌ها به قدرت در سه دسته متفاوت، نگرش یک‌بعدی به قدرت را گونه‌ای از نگاه می‌داند که از سوی رفتارگرایان بیشتر ارائه شده و ناظر بر این نکته است که قدرت، اعمال رفتاری از سوی الف



1. Hans J. Morgenta
2. Max Weber
3. Bertrand Arthur William Russell
4. Steven Lukes

است که منجر به تغییر تصمیم ب شود، به نحوی که در غیر این صورت ب حاضر به انجام آن کار نبود (لوکس، ۱۳۷۵: ۱۶). وی در ادامه نگرش دوبعدی به قدرت را مبتنی بر این نکته می‌داند که قدرت فقط زمانی که اعمال رفتار الف منجر به تغییر تصمیم ب می‌شود، محقق نشده است بلکه به میزانی که فرد یا گروهی، آگاهانه یا ناآگاهانه نسبت به ایجاد یا تقویت موانع برای تجلی خط‌مشی‌های رقیب اقدام کند، آن شخص یا گروه نیز از قدرت برخوردار است (لوکس، ۱۳۷۵: ۲۲). از منظر این دیدگاه هرچند ب در عمل اقدام خاصی صورت نداده است، اما موجب شده تا الف از بخشی از خواسته‌های خود ناگزیر صرف‌نظر کند. سرانجام نگرش سه‌بعدی به قدرت از سوی لوکس مورد توجه قرار می‌گیرد که پیچیده‌ترین مکانیسم اعمال قدرت محسوب می‌شود و در عمل نیز جاری و ساری است. از این منظر نهایت اعمال قدرت شرایطی است که ب وادار شود تمایلات الف را داشته باشد و به عبارت بهتر با مهار تفکرات و تمایلات طرف مقابل رضایت او تضمین شود. از منظر دیدگاه سه‌بعدی قدرت کنترل اطلاعات و وسایل ارتباط جمعی و فرایند جامعه‌پذیری از جمله مکانیسم‌هایی است که می‌تواند منجر به این مهم شود و با شکل دادن به درک مفهومی، شناخت و ترجیحات مردم در حد ممکن مانع نارضایتی آنان شود (همان: ۳۰-۳۴). مطابق آنچه گفته شد، مردم و مسئولان کشور در شرایطی که قدرت نرم دشمن در قالب تهاجم فرهنگی در حال افزایش است، در عمل و تحت تأثیر قدرت نرم دشمن، وادار به انجام اقداماتی در جهت اهداف مورد نظر غرب خواهند شد. بدین ترتیب ملاحظه می‌شود بر مبنای مؤلفه «تحلیل خطر»^۱ که از عناصر مهم در مدیریت بحران است (دولین، ۱۳۸۹: ۶۴-۵۱)، مصون‌سازی جامعه و اتخاذ تمهیدات مناسب در مقابل بحران‌سازی‌ها و تهاجمات آشکار و پنهان دشمن ضرورتی اجتناب‌ناپذیر و مستلزم تدوین راهبردهای مناسب است. بر این اساس و با توجه به نقش و اهمیت مقاوم‌سازی زیرساخت‌های دینی و فرهنگی که موجب افزایش ضریب پایداری و بازدارندگی در مقابل تهدیدات می‌شود، اقدامات مترتب بر امر مصون‌سازی به عنوان یک اقدام پیشگیرانه در کانون توجه این تحقیق قرار دارد. این مقاله می‌کوشد تا به این پرسش پاسخ دهد که «راهبردهای دولت در مدیریت بحران و مصون‌سازی جامعه در برابر تهدیدات فرهنگی کدامند؟» بر این مبنا هدف پژوهش نیز دستیابی به این نکته است که با اتخاذ چه راهبردهایی می‌توان ضمن مدیریت بحران‌های فرهنگی موجبات استقلال فرهنگی کشور را فراهم ساخت.





این مقاله برخلاف مطالعات نظری مرسوم و موجود در حوزه فرهنگ با روش موردی زمینه‌ای و مطابق با رویکرد کاربردی توسعه‌ای است و اطلاعات مورد نیاز در آن با استفاده از روش‌های میدانی، تکنیک دلفی و استفاده از کتابخانه علمی تخصصی جمع‌آوری شده است. بر این اساس نوآوری این مقاله را در مقایسه با مطالعات پیشین می‌توان ارزیابی جامع نظرات جمعی از مدیران ارشد حوزه فرهنگی کشور از فرصت‌ها، تهدیدات، نقاط قوت و ضعف موجود در فضای فرهنگی کشور و در عین حال روند پژوهی حاصل از این ارزیابی برای مواجهه با جنگ نرم دشمن دانست. بر این مبنای، جامعه آماری این پژوهش مدیران ارشد فرهنگی و هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در ستاد (معاونین وزیر و مدیران مراکز مستقل) و مدیران کل این وزارتخانه در استان‌ها بوده است که تعداد ۴۰ نفر به طور هدفمند انتخاب شدند. در این پژوهش همچنین با بهره‌گیری از مدل زوجی، ماتریس‌های IFE و EFE ترسیم و نتایج پرسشنامه‌ها پس از تجمیع و انجام محاسبات، تحلیل، و راهبردهای پیشنهادی بر اساس وضع موجود و با استناد به عوامل ذی‌مدخل تدوین، و با استفاده از مدل TOPSIS^۱ مطلوبیت راهبردها تعیین شده است. لازم به ذکر است مسئله اصلی تحقیق حاضر نیز فقدان راهبردهای مقابله و مدیریت بحران‌های فرهنگی در کشور است و منظور از دولت جمهوری اسلامی نیز در این نوشتار نهادهای دولتی متولی موضوع فرهنگ به ویژه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است.

چیستی مفهوم بحران فرهنگی

فرهنگ را می‌توان نظامی از باورها، ارزش‌ها، سنت‌ها، رفتارها و مصنوعات مشترک ارزیابی کرد که اعضای یک جامعه آن را مورد استفاده قرار می‌دهند تا از عهده جهان و یکدیگر برآیند، و نظامی است که از طریق یادگیری از یک نسل به نسل دیگر منتقل می‌شود (سامووار و پورنز، ۱۳۷۹: ۵). فرهنگ را همچنین می‌توان دربرگیرنده احساسات، باورها و ارزش‌های یک جامعه دانست که به روند سیاسی نظم و معنا می‌دهد (عالم، ۱۳۷۴: ۱۵۱). فرهنگ را همچنین می‌توان به مثابه بخشی از جهان‌بینی و شیوه نگرشی دانست که مردم یک کشور در تعاملات و به ویژه در نحوه مواجهه با مسائل و مشکلات ملی اتخاذ می‌کنند. از این منظر به نظر می‌رسد برای فهم معقول مبانی و مبادی شناختی هر فرهنگ، ابتدا باید نظام انگیزشی آن را مورد بررسی قرار داد. از این منظر، «فرهنگ» به مفهوم «هویت»^۲ و به تعبیر بهتر وضعیت شبیه بودن به برخی بازیگران و

1. Technique for Order of Preference by Similarity to Ideal Solution
2. identity

تفاوت داشتن از دیگران و شامل ایجاد مرزهایی است که «خود» را از «دیگران» جدا می‌کند. این مفهوم اگر چه به تعبیر لیلیان اسمیت^۱ در کتاب قاتلان رؤیاهای^۲ هیچ‌گاه به درستی معلوم نیست که چه زمانی، کجا و چگونه آموخته می‌شود (اسمیت، ۱۹۶۳: ۱۷)، اما به طور شناختی به افراد کمک می‌کند تا بر نواقص ذاتی در حافظه کوتاه‌مدت و دیگر قابلیت‌های پردازش اطلاعات، به وسیله سازمان‌دهی میزان زیادی از مقوله‌های مبتنی بر تجربه‌های پیشین غلبه کنند. در نتیجه فرهنگ هم در سیاست بین‌المللی و هم در جامعه داخلی برای تضمین سطوحی از قابلیت پیش‌بینی و نظم، امری ضروری به شمار می‌آید و جهان بدون هویت‌های فرهنگی، جهانی آشفته، پراکنده و نامطمئن و حتی مخاطره‌آمیزتر از جهان آنارشیک است. از این منظر هویت‌های فرهنگی سه کارکرد ضروری در یک جامعه انجام می‌دهند و در واقع با معرفی ما به دیگران و معرفی دیگران به ما، اولویت‌ها و اقدام‌های متعاقب را تبیین می‌کنند (رینگمار، ۱۹۹۷: ۱۸۱). در همین حال بحران را نیز می‌توان اتفاق یا رویدادی دانست که بر منافع و شهرت یک سازمان تأثیرگذار است و جریان امور را مختل می‌کند (ناصحی فر: ۱۳۸۰: ۳۴). بحران همچنین به طور معمول به وضعیتی از تهدیدات مخاطره‌انگیز گفته می‌شود که عبور از آن دشوار است و هرگونه سهل‌انگاری در مواجهه نیز بر شدت و میزان آسیب‌های پیشین می‌افزاید (شریواستاوا و دیگران، ۱۹۸۸: ۲۸۵ - ۳۰۴).

از این منظر می‌توان مفهوم بحران را مشابه مفهوم تهدید ارزیابی کرد، با این تفاوت که بحران گونه‌ای از تهدید محسوب می‌شود که امکان وقوع یافته است. به بیان دیگر به نظر می‌رسد ادراک از بحران وابسته به تهدیدی است که احساس می‌شود (کاظمی، ۱۳۷۶: ۵۴). در چنین شرایطی تهدید نیز برآیند وضعیتی است که عوامل مختلف برخلاف خواسته و خارج از کنترل عمل می‌کنند و از این حیث روند امور از حالت مطلوب خارج می‌شود و احتمال آشفته‌گی، خطر یا خسارت جبران‌ناپذیر به وجود می‌آید و موجب اختلال در امنیت عمومی و ملی می‌شود (اسکندری، ۱۳۸۹: ۵۴). بر این اساس تهدید یا بحران ممکن است اشکال مختلفی داشته باشد که اگر متوجه روح ملی و هویت ملی باشد تهدید یا بحران فرهنگی ارزیابی می‌شود که ممکن است به نابودی و محو موجودیت یک ملت منجر شود. بر این اساس، ماهیت تهدیدات و بحران‌های فرهنگی دارای ابعاد گوناگونی است که از آن جمله می‌توان به «بحران هویت»^۳،

1. Lillian Smith
2. Killers of Dreams
3. identity crisis



«بحران مشروعیت»^۱، «بحران نفوذ»^۲، «بحران مشارکت»^۳ و «بحران یکپارچگی»^۴ اشاره کرد (قوام، ۱۳۷۹: ۱۸۱۷).

با این وصف بحران‌های فرهنگی آن‌گونه که گفته شد به واسطه دو معیار اساسی غیرخسونت‌آمیز بودن و نرم بودن پیامدهای تهدید، به نظر می‌رسد با بحران‌ها و تهدیدات سخت متفاوت است (عبدالله‌خانی، ۱۳۸۶ الف: ۷۰). منظور از تهدیدات نرم طیفی وسیع از کنش‌ها و اقدامات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است که کشورهای برخوردار از فناوری برتر از آنها برای تحمیل غیرمستقیم اراده خویش بر دیگران مورد استفاده قرار می‌دهند. با این وجود هرچند محققان و مؤلفان بر سه بعدی بودن تهدیدات نرم تأکید ورزیده‌اند، اما برخی روان‌شناسان اجتماعی با اتخاذ رویکردی ویژه به تهدیدات نرم، از پنج‌بعدی بودن آن دفاع کرده‌اند و آن را مشتمل بر بعد شناختی، بعد عاطفی و هیجانی، بعد منش شناختی، بعد اجتماعی و بعد معنوی دانسته‌اند (الیاسی، ۱۳۸۹: ۴۵). از منظر روش‌های اعمال تهدیدات نرم نیز می‌توان این تهدیدات را در سه حوزه گفتاری، رفتاری و شبکه‌ای ارزیابی کرد. در روش گفتاری نگرش، افکار، عقاید و باورهای اساسی مردم و نخبگان هدف قرار می‌گیرد. در روش رفتاری هدف اصلی شکل دادن به رفتارهای جمعی است و هدف اصلی روش مبتنی بر شبکه، اعمال کنترل بر اطلاعات و ارتباطات بر روی شبکه است (عبدالله‌خانی، ۱۳۸۶ ب، ۷۱) که در مجموع پیگیری تهدیدات مذکور منجر به بروز بحران‌های عمیق فرهنگی در جوامع هدف می‌شود. بر مبنای آنچه گفته شد بحران‌های فرهنگی را می‌توان مجموعه شرایطی ارزیابی کرد که افراد یک جامعه نسبت به فرهنگ و سنت‌های اصیل خود بیگانه می‌شوند و در عین حال نمی‌توانند علت پیدایش تغییرات و مفهوم آنها و بروز ارزش‌های جدید را درک کنند (شریعتی، ۱۳۷۹: ۲۳).

در همین حال مطابق پژوهش‌های به عمل آمده (از جمله پژوهشی آسیب‌شناسی که در سال ۱۳۸۹ از سوی مرکز بررسی‌های استراتژیک نهاد ریاست جمهوری انجام شد) در حدود ۲۰۰ بحران فرهنگی مخرب در زمینه‌های دینی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و اخلاقی در کشور شناسایی شده که در ادامه به بعضی از آنها اشاره می‌شود:

– ایجاد شکاف عقیدتی در سطوح مختلف جامعه

– ایجاد حس بی‌اعتنایی در مورد مسایل مهم روز و از بین بردن حساسیت افراد نسبت به

مسایل سیاسی



فصلنامه علمی-پژوهشی

۱۳۲

دوره هفتم
شماره ۳
پاییز ۱۳۹۳

1. legitimacy crisis
2. penetration crisis
3. participation crisis
4. integration crisis

- جایگزین ساختن احساس گرایی به جای تعقل و خردورزی
- ایجاد تزلزل در باورها و عقاید افراد همچون ترویج تصویری موهوم از خداوند و
ماوراءالطبیعه

- تساهل نسبت به شریعت
- فروکاست اصول اخلاقی به سلیقه شخصی
- جایگزینی خودمحوری به جای خدامحوری
- تحریف معنوی آموزه‌های اسلامی
- ایجاد بحران هویت دینی
- هماهنگ کردن ارزش‌های معنوی با آرمان‌های موهوم غرب
- از بین بردن کارکرد دین در تعیین سبک زندگی فردی و اجتماعی
- گسست اعتقادی مردم از حکومت و کاهش استحکام پایه‌های مردمی آن
- سست شدن بنیان خانواده
- ترویج استفاده از مواد مخدر

- ترویج بی‌عفتی و فساد و فحشا و ایجاد روابط ناسالم میان افراد (پژوهشکده مطالعات راهبردی، ۱۳۹۰: ۱۱۸).

نتایج این پژوهش و پژوهش‌های مشابه بیانگر این حقیقت است که بحران فرهنگی در ایران دارای ابعاد فردی، گروهی، ملی و حتی بین‌المللی است و در صورت هرگونه قصور می‌تواند استقلال و امنیت فرهنگی کشور و حتی تشیع را به مخاطره اندازد.

جنگ نرم به مثابه بحران

از مباحث پیش‌گفته می‌توان نتیجه گرفت که هدف اصلی و نهایی تهدیدات نرم علیه کشور براندازی نرم است. براندازی نرم اقداماتی بدون خشونت و با دخالت مستقیم یا غیرمستقیم بیگانگان، جهت دگرگونی نظام سیاسی حاکم یا نخبگان اجرایی در یک کشور است. براندازی نرم در اصطلاح به معنای اجرای برنامه حساب‌شده مسالمت‌آمیز و درازمدت برای نفوذ در ارکان سیاسی یک نظام به منظور تغییر نظام سیاسی یک کشور و یا ایجاد تغییر و تحول اساسی در باورهای اصلی آن است (شعب، ۱۳۸۹: ۵۲).

ایجاد تغییر در فکر و اندیشه و اعتقادات مردم، ایجاد یأس و ناامیدی در مردم نسبت به کارآمدی نظام دینی، تغییر جهت افکار عمومی به سمت امیال و اهداف دشمن، تخریب سرمایه اجتماعی، سلب اعتماد مردم نسبت به نظام، کاهش همبستگی و ایجاد تفرقه، کاهش مشارکت

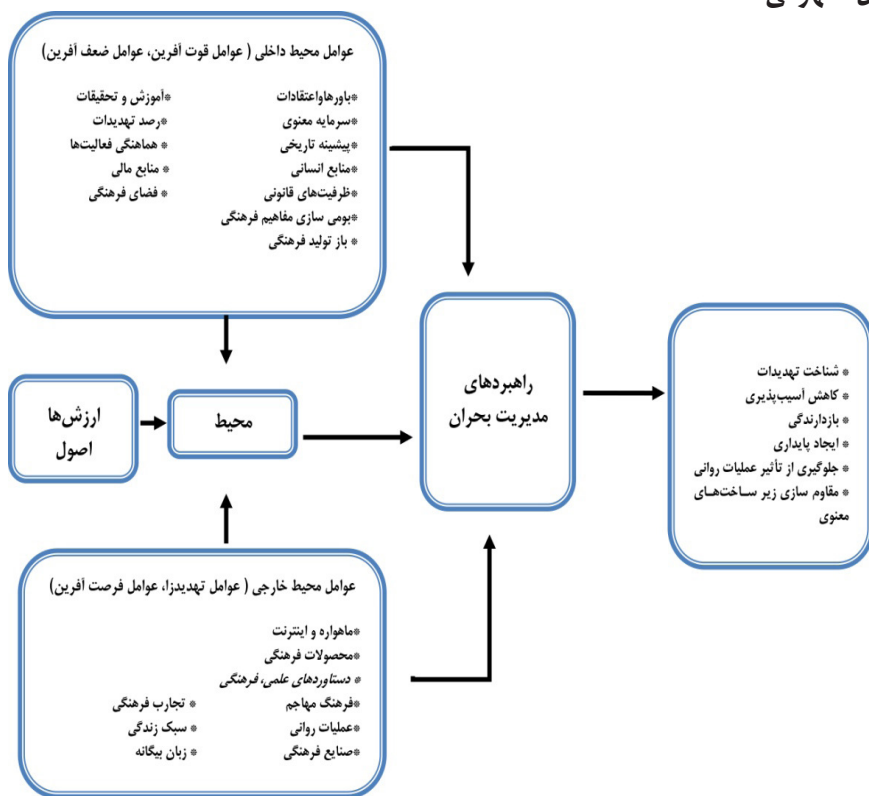


سیاسی و اجتماعی مردم، تقویت سبک زندگی غربی، ایجاد گسست قومی و بین نسلی و فرهنگی در کشور، شکستن انسجام سیاسی و تغییر الگوی سیاسی، تغییر نظام یا استحاله نظام در جامعه جهانی، و امثال آن از اهداف مهم جنگ نرم تلقی می‌شوند. در همین حال، یکی از واقعیاتی که هنگام اندیشیدن در مورد جنگ‌های نسل چهارم، به ویژه جنگ نرم، باید به آن توجه داشت این است که حاکمیت بر اراده مردم در این قبیل جنگ‌ها مورد توجه جدی قرار دارد و برای تحقق این هدف عبور از گذرگاه‌ها و فتح سنگرهای فرهنگی ملت‌ها الزامی به نظر می‌رسد. بر این اساس بدیهی است بستن منافذ و جلوگیری از نفوذ و عبور دشمن از این گذرگاه و دفاع فرهنگی با اقداماتی نظیر مقاوم‌سازی بنیه‌های اعتقادی، ارتقای سطح اعتماد به نفس مردم، پایداری فکری از طریق فرهنگ‌سازی و تداوم اطلاع‌رسانی به مردم و افزایش ضریب هوشیاری و مراقبت مردمی و ساماندهی توانمندی‌های کشور از جمله مهم‌ترین راهکارهای مدیریت بحران در این شیوه تقابل است. دفاع فرهنگی در برابر جنگ نرم مستلزم رعایت الزاماتی است که از آن جمله تقویت عنصر قدرت نرم در کشورها ضروری به نظر می‌رسد. به زعم ژرف نای (۲۰۰۶) و شوارتز (۲۰۰۸) اصلی‌ترین عنصر قدرت نرم یک کشور در دنیای کنونی عنصر فرهنگی است. منظور از عنصر فرهنگی قدرت نرم هم بعد کیفی و هم بعد کمی آن است. از این منظر کشوری واجد قدرت نرم است که از ایدئولوژی جذابی برخوردار باشد، ارزش‌های پایدار و جهان‌شمول داشته باشد، شهروندان آن از نگرش‌های کمابیش همسانی برخوردار باشند، میزان تضاد و تعارض ارزش به ویژه ارزش‌های اخلاقی آن کم باشد، رفتار دولت‌مردان بالنسبه قابل پیش‌بینی باشد، و الگوهای حاکم بر کشور دارای مقبولیت بیشتری از الگوهای موازی باشد (الیاسی، ۱۳۸۸: ۱۵۲). بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که فرهنگ و ارزش‌های فرهنگی یکی از مهم‌ترین و اثرگذارترین منابع قدرت نرم است که در صورت هرگونه سهل‌انگاری در میان‌مدت ممکن است دچار آسیب‌های جدی شود. با این اوصاف بدیهی است که ایجاد قدرت نرم به ویژه در حوزه فرهنگی و افزایش ضریب اقتدار فرهنگی یکی از جنبه‌های مهم دفاع در مقابل جنگ نرم و مدیریت بحران در این جنگ محسوب می‌شود. با توجه به مباحث نظری که ارائه شد، مدیریت بحران در جنگ نرم را می‌توان مشتمل بر «مجموعه‌ای از اقدامات که موجب کاهش آسیب‌پذیری فکری، اعتقادی و فرهنگی و افزایش مقاومت و پایداری مردم در برابر تهاجم فرهنگی و ایجاد بازدارندگی و کاهش میل تهاجمی دشمن و خنثی شدن آثار تهدیدات فرهنگی می‌شود» ارزیابی کرد. با استناد به این تعریف اهداف مدیریت بحران در این جنگ نیز شامل کاهش آسیب‌پذیری‌های فرهنگی،



ارتقای سطح پایداری ملی، سازماندهی و بسیج امکانات و هماهنگی اقدامات، خنثی کردن عملیات روانی دشمن و جلوگیری از ایجاد انحراف در افکار عمومی، تداوم اطلاع‌رسانی به مردم و ایجاد شناخت نسبت به ابعاد تهاجم فرهنگی و جنگ نرم، ارتقای آستانه تحمل مردم و کمک به مدیریت کشور و اداره مردم در شرایط بحران، و فرهنگ‌سازی در جهت جامعه‌پذیری دفاع فرهنگی خواهد بود. مطابق آنچه گفته شد در ادامه مدل مفهومی تدوین راهبردها در چارچوب وظایف دولت ارائه خواهد شد. در این مدل عوامل، اجزا، ابعاد و سطوح مرتبط با وظایف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای مدیریت بحران جنگ نرم در ارتباط با یکدیگر مفهوم‌سازی شده است. مقاله در ادامه نیز ضمن بررسی مبانی و بایسته‌های لازم برای تدوین راهبردهای مدیریت بحران در جنگ نرم و با شناسایی نقاط فرصت، تهدید و نقاط توانمندی و ضعف می‌کوشد به تدوین راهبردهای لازم برای مدیریت بحران حاصل از جنگ نرم اقدام کند.

مدل مفهومی



۱. بررسی محیط داخلی و خارجی

(شناخت نقاط قوت و ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها)

با توجه به سرعت تحولات، سازمان‌هایی موفق هستند که مدیران آنها محیط را بشناسند و تحولات آن را به طور مستمر رصد کنند و دید روشنی نسبت به آنچه در اطراف آنها می‌گذرد داشته باشند، تا بتوانند راهبردهایی تدوین کنند که به طور مستقیم تحقق رسالت‌های سازمان را مورد حمایت قرار دهد. بر این مبنا پرسشی که مطرح می‌شود این است که تحلیل محیطی چیست؟ و درک درست محیط چه تأثیری بر تحلیل محیط دارد؟ برای پاسخگویی به این سؤالات لازم است که محیط عمومی و محیط کاری و داخلی وزارتخانه تبیین شود، چرا که «منظور از محیط، همه پدیده‌های خارجی است که به صورت بالقوه یا واقعی بر جامعه مورد تحقیق اثر می‌گذارد» (هال، ۱۳۸۴: ۳۴۱). تحلیل و تبیین محیط مستلزم کاوش محیطی است و «کاوش محیطی روند گردآوری اطلاعات در ارتباط با جریان‌ات و روابط در محیط‌های داخلی و خارجی سازمان است» (ساموئل سرتو و پائول پیتر، ۱۳۸۰: ۷۰). کاوش محیطی دربرگیرنده بررسی و ارزیابی اطلاعاتی است که درباره محیط‌های داخلی و خارجی می‌توان از منابع متمایز و متعددی گردآوری کرد. نتیجه تحلیل محیطی تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران را در تحلیل تهدیدات و فرصت‌ها و نیز پیش‌بینی محیطی کمک می‌کند. با توجه به گستردگی حوزه فرهنگ و دامنه دربرگیری آن و با مفروض داشتن این نکته که مردم ایران مورد هجوم فرهنگی دشمن قرار گرفته‌اند و مدیریت حاصل از این بحران از جمله مأموریت‌ها و وظایف ذاتی دولت و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است، لذا محیط داخلی این پژوهش کل کشور و محیط خارجی آن، تهدیدات فرهنگی نظام سلطه به رهبری امریکا است. برای شناخت عوامل محیطی ضمن بررسی اسناد و مدارک موجود از پرسشنامه‌هایی، که روایی و پایایی آن به شرح زیر تأیید شد، استفاده شده است:

الف: روایی: ارزیابی ضریب روایی محتوای سنجه‌های ماتریس عوامل مؤثر بر موضوع تحقیق بر اساس ضریب اعتبار محتوای (لاوشه) و از طریق فرمول زیر محاسبه و در ذیل هر کدام از عوامل محاسبه و درج شد:

$$N=ne-N2N2$$

نتیجه تحلیل محتوا براساس ضریب لاوشه در مورد سنجه‌های تحقیق نشان می‌دهد که همه سنجه‌ها اعتبار لازم را دارند.

ب: پایایی: از آن‌جا که این پرسشنامه با تعدادی سؤال با طیف ۵ گزینه‌ای لیکرت منطبق است،



می‌توان مقدار پایایی را به کمک آلفای کرونباخ به دست آورد. جدول تحلیل انجام شده توسط نرم افزار اسپاس پی اس اس در مورد ۳۷ سؤال پرسشنامه (شامل ۱۰ پرسش عوامل قوت آفرین، ۱۰ پرسش نقاط ضعف، ۷ عامل فرصت و ۱۰ عامل تهدید) بیانگر این است که مقدار آلفای کرونباخ استاندارد شده ۰,۹۳۵ است که نشان از شرایط پایایی عالی دارد و در جدول آخر مقدار آلفای کرونباخ پس از حذف هر یک از ۳۷ سؤال مشخص شده است. ضمن این‌که با استفاده از تکنیک دلفی ابتدا از اعضای گروه (جامعه نمونه) که مشتمل بر مدیران ارشد فرهنگی و هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در ستاد (معاونین وزیر و مدیران مراکز مستقل) و مدیران کل این وزارتخانه در استان‌ها خواسته شد، نظراتشان را در رابطه با عوامل داخلی (نقاط قوت و ضعف) و عوامل خارجی (فرصت‌ها و تهدیدات) حوزه فرهنگ به صورت مکتوب ارسال کنند. پس از جمع‌بندی نظرات واصله و برشماری عوامل قوت آفرین، ضعف آفرین، فرصت آفرین و تهدیدها مجدداً از اعضای گروه طی پرسشنامه خواسته شد که مشخص کنند آیا این موارد نقطه قوت و ضعف و نیز فرصت و تهدید هستند یا خیر، و نظرات تکمیلی را نیز اعلام کنند. سپس از آنها درخواست شد با توجه به تخصص و تجربه‌ای که در این حوزه دارند، ضریب اهمیت هر یک از عوامل را برای وضع موجود و نیز در وضع مطلوب تعیین کنند. بدین صورت پس از چند بار رفت و برگشت وفاق نظری بین اعضای گروه در رابطه با نقاط قوت و ضعف و فرصت‌ها و تهدیدها در حوزه فرهنگ ایجاد شد و همچنین نظرات پاسخگویان در رابطه با نمره اهمیت هر یک از عوامل در وضع موجود و وضع مطلوب به دست آمد.

۲. نقاط توانمندی حوزه فرهنگ

نقاط قوت حوزه فرهنگ که با کسب نظر از مدیران ارشد وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و ایجاد وفاق و اتفاق نظر بین این مدیران، با استفاده از تکنیک دلفی است به شرح ذیل برشماری شده است.

۱. دین و باورهای دینی مردم
۲. پیوند مستحکم مردم با نظام
۳. سرمایه اجتماعی نظام (اعتماد، همبستگی و مشارکت مردم)
۴. وجود روحانیت متعهد
۵. پیشینه تاریخی، تمدنی و فرهنگی
۶. وجود نیروهای کارآمد و قوی در عرصه فرهنگ و هنر و ادب
۷. ظرفیت‌های قانونی لازم برای فعالیتهای فرهنگی
۸. وجود بستر مناسب برای بهره‌گیری از صنایع فرهنگی، فناوری اطلاعات و رسانه‌های دیجیتال
۹. آگاهی و هوشیاری و آمادگی مردم
۱۰. امکانات، تجهیزات و زیرساخت‌های فرهنگی.

۳. عوامل آسیب‌زا و ضعف‌آفرین

هیئت نظارت و ارزیابی فرهنگی و علمی شورای عالی انقلاب فرهنگی در ارزیابی وضعیت فرهنگ کشور نقاط ضعف این حوزه را به نحوی احصا و بیان کرده است (شورای عالی انقلاب



فرهنگی، ۱۳۸۶: ۷۸) که موارد زیر تحت عنوان نقاط ضعف از آن گزارش و نیز استفاده از نظرات مدیران خبره وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و با استفاده از تکنیک دلفی برشماری شده‌اند.

۱. عدم تعریف و پیش‌بینی آموزش‌های عمومی و تخصصی ۲. نبود سامانه رصد روزآمد تحولات فرهنگی کشور ۳. عدم دسترسی مسئولان فرهنگی به داده‌های واقعی مصارف فرهنگی و امور فرهنگی ۴. ناهماهنگی و موازی‌کاری در فعالیت‌های دستگاه‌های فرهنگی کشور ۵. بی‌توجهی یا کم‌توجهی به اقتصاد فرهنگ در سیاست‌ها و برنامه‌های فرهنگی و هنری ۶. کمبود اعتبارات بخش فرهنگ نسبت به سایر بخش‌ها ۷. کمبود فضاهای فرهنگی و هنری به نسبت جمعیت کشور ۸. نبود برنامه منسجم برای بازتولید و بازتوزیع فرهنگ و هنر بومی ۹. ناتوانی در نهادسازی و بومی‌سازی مفاهیم و ادبیات وارداتی ۱۰. نبود ثبات مدیریت در سطوح مختلف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

۴. تهدیدات حوزه فرهنگ

تهدیدات زیر بر اساس اتفاق نظر جامعه نمونه (تکنیک دلفی) تحت عنوان بررسی و شناسایی عوامل تهدیدآفرین فرهنگی معرفی شدند:

۱. نفوذ روزافزون شبکه‌های ماهواره‌ای ۲. محتوای غیراخلاقی و تهاجم سازمان‌یافته فرهنگی رسانه‌های مجازی (اینترنت) ۳. تبلیغ و ترویج محصولات و تولیدات فرهنگی مغایر با ارزش‌ها، اصول و اهداف فرهنگی کشور ۴. ترویج فساد و فحشا و بی‌بندوباری سازمان‌یافته برای شکستن حریم عفت عمومی ۵. ترویج افکار انحرافی در قالب عرفان‌های نوظهور و شیطان‌پرستی و... ۶. گسترش شبکه‌های رادیویی فارسی‌زبان خارجی با اهداف تخریبی و القای شبهه نسبت به نظام دینی ۷. تهدید امنیت اخلاقی و فرهنگی کشور ۸. اشاعه فرهنگ غربی و تقلید مردم و تأثیر بر سبک زندگی ۹. عملیات روانی غرب برای تضعیف باورها و اعتقادات دینی ۱۰. اختلاط زبان‌های بیگانه با زبان فارسی به ویژه در محاورات و مکالمات عمومی.

۵. فرصت‌های حوزه فرهنگ

با کسب نظر از مدیران ارشد وزارتخانه و با استفاده از تکنیک دلفی موارد زیر تحت عنوان عوامل فرصت‌آفرین احصا شده‌اند:

۱. امکان بهره‌گیری از ماهواره در مسیر اهداف فرهنگی ۲. امکان بهره‌گیری از رسانه‌های دیجیتال و فضای اینترنت ۳. امکان بهره‌گیری از دستاوردهای علمی، ادبی و هنری پایدار ساز سایر کشورها ۴. امکان بهره‌گیری از نفوذ فکری و فرهنگی ایران در بین توده‌های مردم جهان، به ویژه جهان اسلام ۵. وجود زمینه‌های تعامل سازنده فرهنگی با سایر کشورها ۶. امکان ایجاد زمینه‌های توسعه دفاع فرهنگی در کشور ۷. استفاده از تجارب دفاع فرهنگی سایر کشورها.



جمع‌بندی و تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش

همان‌گونه که عنوان شد جامعه آماری این پژوهش مدیران ارشد ستادی و مدیران کل استانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است. از تعداد ۴۵ پرسشنامه ارسال شده برای این مجموعه، ۳۰ پرسشنامه تکمیل و بازگردانده شد که میزان تحصیلات و مسئولیت پاسخگویان در جدول‌های زیر آمده است:

جدول ۱- میزان تحصیلات و سطح مسئولیت پاسخگویان

تحصیلات	فراوانی	مسئولیت	فراوانی
حوزوی	۱۰	معاون وزیر	۳
دکتری	۷	رئیس مرکز مستقل ستادی	۴
کارشناسی ارشد لیسانس	۱۱	مدیر کل استانی	۲۰
کارشناسی	۲	سایر	۳
جمع	۳۰	جمع	۳۰



فصلنامه علمی پژوهشی

۱۳۹

الزامات راهبردی
جمهوری...

به کمک ماتریس IFE و EFE لیست نقاط قوت و ضعف و نیز فرصت‌ها و تهدیدات به روش دلفی و با توجه به نظر جامعه نمونه که اکثریت آنها درجه اهمیت عوامل داخلی و خارجی اعم از نقاط قوت و ضعف و فرصت‌ها و تهدیدات را واجد ویژگی خیلی با اهمیت دانسته بودند، تهیه شد. سپس با ارسال پرسشنامه، از جامعه نمونه خواسته شد نظر خود را در خصوص هر یک از موارد فهرست موصوف با نمره ۱ تا ۵ برای وضع موجود و وضع مطلوب در پرسشنامه ثبت کنند. با جمع‌آوری پرسشنامه‌ها و تحلیل نرم‌افزاری و تحلیل شکاف، جایگاه وضع موجود و موقعیت اقدام راهبردی تعیین شد.

وضع مطلوب:		
$IFE = \sum_s - \sum_w \Rightarrow IFE = \sum_s - \sum_w$	مجموع وزن ضعف‌ها - مجموع وزن قوت‌ها	$8.672280302 - 8.715758414 = -0.043478112$
وضع موجود:		
$IFE = \sum_s - \sum_w \Rightarrow IFE = \sum_s - \sum_w$	مجموع وزن ضعف‌ها - مجموع وزن قوت‌ها	$6.242076665 - 2.422662188 = 3.819414477$
$EFE = \sum_o - \sum_t$	مجموع وزن تهدیدات - مجموع وزن فرصت‌ها	$2.660797318 - 2.387392545 = -0.273404773$



تحلیل شکاف و تعیین میزان زاویه چرخش راهبردی: $ARC \tan A/B = C$

\Rightarrow جمع نمره موزون ضعف - جمع نمره موزون قوت = A

$$6,342,076665 - 2,422662188 = 3,919414477$$

\Rightarrow جمع نمره موزون تهدیدها - جمع نمره موزون فرصتها = B

$$6,342,076665 - 2,422662188 = 3,919414477$$

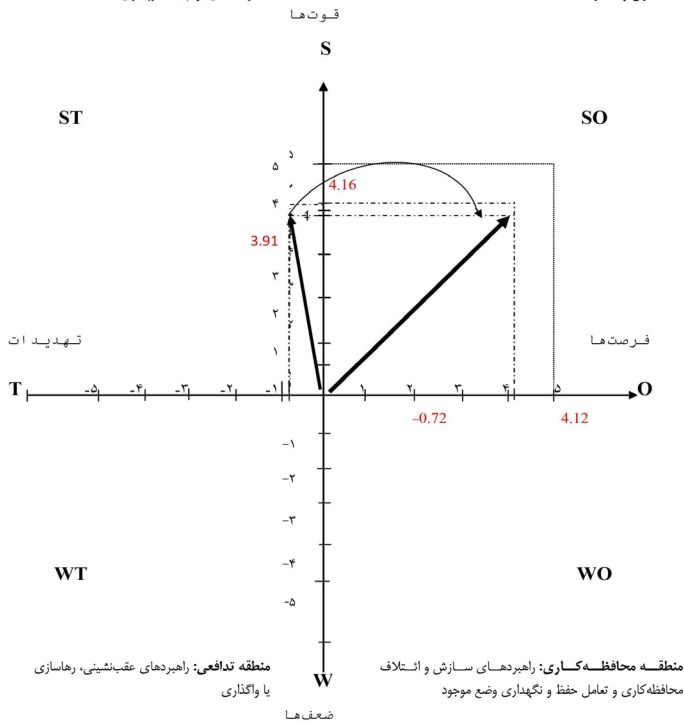
$$Arctg = s - wo - t = 3/919414477 - 0/726595327 \Rightarrow C = -79/5'$$

$$\alpha = \theta\theta + -79/5 + 45 = -34/5 \Rightarrow 45$$

نمودار ۱. ارزیابی و تعیین موقعیت و اقدام راهبردی

منطقه رقابت: راهبردهای تیرجهت یا مقابله محتاطانه و حرکت‌های توأم با خطرپذیری

منطقه تهاجمی: راهبردهای رشد و توسعه حرکت‌های سریع و گسترده



منطقه محافظه‌کاری: راهبردهای سازش و انستلاف محافظه‌کاری و تعامل حفظ و نگهداری وضع موجود

منطقه تدافعی: راهبردهای عقب‌نشینی، رهاسازی یا واکنشگری

تحلیل یافته‌ها

با توجه به قرار گرفتن کشور در موقعیت جنگ نرم و جنگ فرهنگی و نظر به وظایف قانونی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در این زمینه دولت باید بتواند به منظور مدیریت بحران اقدامات ذیل را به عمل آورد:

- تولید و انتشار محصولات فرهنگی، آموزشی، تبلیغی با هدف فرهنگ سازی دفاع فرهنگی
- اقدام برای افزایش روحیه پایداری ملی در مقابل تهاجمات فرهنگی و جنگ نرم
- اقدام مؤثر برای کاهش آسیب‌پذیری‌های فرهنگی و اعتقادی مردم
- تقویت زیرساخت‌های معنوی جامعه و ایجاد بازدارندگی و کاهش میل تهاجمی دشمن و ایجاد ثبات فکری و افزایش رضایت‌مندی از نظام
- انجام تحقیقات و پژوهش‌های بنیادی با رویکرد دفاع فرهنگی.

بدین منظور و برای پاسخگویی به چنین انتظاراتی و نیز براساس مطالعات انجام شده و یافته‌های تحقیق راهبردهایی مبتنی بر عوامل ذی‌مدخل پیش‌بینی شده است. لازم به توضیح است که:

۱. با توجه به اینکه در ماتریس SPACE موقعیت راهبردی در منطقه SO و وضع موجود در منطقه ST قرار گرفته است، رویکرد غالب در تدوین گزینه‌ها، حداکثر استفاده از توانمندی‌ها برای ایجاد اقتدار فرهنگی، افزایش بازدارندگی و کاهش آسیب‌پذیری‌های فرهنگی و بهره‌گیری از فرصت‌های محیطی است. ضمن این که سایر عوامل ذی‌مدخل نیز لحاظ شده‌اند.
۲. راهبردهای ST به منظور استفاده از نقاط قوت جهت جلوگیری از تهدیدات و برطرف کردن آنها تدوین شده‌اند.
۳. راهبردهای WO با رویکرد استفاده از فرصت‌ها برای رفع نقاط ضعف یا جبران آنها طراحی و تدوین شده‌اند.
۴. راهبردهای WT با هدف کاهش و تقلیل آثار منفی ناشی از تهدیدات و نقاط ضعف تدوین شده‌اند.

مجموع گویه‌های راهبردهای پیش‌بینی شده (بدون اولویت‌بندی)

۱. بازشناسی و بازتولید فرهنگ و تمدن ایرانی و اسلامی و حفاظت از موارث و احیای آداب و سنن بومی در عرصه‌های دین، ادبیات و هنر، و نشر و تبیین و تعمیق آنها در فرهنگ



عامه با استفاده از فناوری‌های نوین ارتباطی و صنایع فرهنگی برای مقاوم‌سازی زیرساخت‌های معنوی، فکری و فرهنگی جامعه

۲. استفاده از سرمایه‌های معنوی و فرهنگی کشور (دین‌باوری مردم، پیوند با ولایت، سرمایه اجتماعی، نهاد روحانیت، بصیرت مردم و...) با تکیه بر اصل تحکیم و تعمیق روابط مردم با نظام برای مقابله با جریان‌های فکری و فرهنگی و دینی انحرافی و جلوگیری از ترویج فساد و فحشای سازمان‌یافته

۳. ایجاد وحدت و همبستگی فرهنگی حول محور فرهنگ ایرانی - اسلامی و پیشینه تاریخی کشور (فرهنگ استراتژیک) با تقویت و حفظ هویت خرده‌فرهنگ‌های بومی، محلی و قومی به منظور تقویت و یکپارچه‌سازی فرهنگی و افزایش توان بازدارندگی در مقابله با جنگ نرم و تهاجم فرهنگی

۴. جلوگیری از اختلاط اصطلاحات بیگانه با زبان فارسی و ترویج مظاهر فرهنگ و سبک زندگی غیر ایرانی - اسلامی در کشور با استفاده از ظرفیت‌های قانونی به منظور ایجاد بازدارندگی و کاهش آسیب‌پذیری در مقابل فرهنگ‌های مهاجم

۵. تقویت و ترویج فضایل اخلاقی و انسانی، روحیه ایثار، فداکاری و غرور ملی با استفاده از پیشینه فرهنگی دو سرمایه معنوی و آگاهی و هوشیاری مردم برای ایجاد پایداری در مقابل تهاجم فرهنگی و جنگ نرم دشمن

۶. برقراری تعامل سازنده فرهنگی با سایر ملت‌ها، به ویژه جهان اسلام، با استفاده از منابع انسانی قوی و کارآمد حوزه فرهنگ برای ایجاد بازدارندگی در بیرون مرزها

۷. تقویت اشتراکات اعتقادی بین دین اسلام و سایر ادیان از طریق توسعه گفت‌وگو و تعامل فرهنگی و دینی و استفاده از نفوذ فرهنگی و فکری ایران در منطقه و بین توده‌های مردم به منظور مهار جریان اسلام‌ستیزی و ایران‌هراسی در بین پیروان سایر ادیان و کاهش تهدیدات فرهنگی متوجه مردم ایران

۸. تأکید و ترویج رهنمودهای مقام معظم رهبری در خصوص جنگ نرم با برنامه‌ریزی عملیاتی و استفاده از امکانات، تجهیزات و زیرساخت‌های فرهنگی هنری به منظور ارتقای پایداری فرهنگی و تقویت آستانه تحمل مردم، افزایش بازدارندگی و کاهش آسیب‌پذیری در برابر اقدامات مهاجمان فرهنگی و عملیات روانی دشمن

۹. ایجاد شناخت در مردم نسبت به ماهیت اهداف فرهنگی غرب با استفاده از ظرفیت‌های



فرهنگی انقلاب و اجرای برنامه‌های آموزشی و پژوهشی مناسب به منظور تقویت باورهای دینی مردم و کاهش آثار تهدیدات فرهنگی

۱۰. توانمندسازی نیروی انسانی حوزه فرهنگ بر مبنای آموزه‌های فرهنگ ایرانی اسلامی با پیش‌بینی آموزش‌های عمومی و تخصصی به منظور فعال‌کردن این حوزه در مسیر سیاست‌ها و اهداف فرهنگی کشور

۱۱. رصد روزآمد تحولات فرهنگی کشور، منطقه و جهان و تغییرات شاخص‌های مصارف فرهنگی با استفاده یکپارچه و هماهنگ از ظرفیت‌های فرهنگی کشور به منظور تکمیل اطلاعات مسئولان کشور و به حداقل رساندن زیان‌های ناشی از ضعف اطلاعات و ناهماهنگی مسئولان فرهنگی

۱۲. اطلاع‌رسانی مستمر و به‌موقع به مردم با استفاده از ظرفیت‌های رسانه‌های دیجیتال و فناوری‌های نوین ارتباطی برای توسعه دفاع فرهنگی و به حداقل رساندن آثار تهدیدات فرهنگی و کاهش آسیب‌پذیری در جنگ نرم و عملیات روانی دشمن

۱۳. توجه به اقتصاد فرهنگ و هنر با تقویت منابع مالی و تصویب قوانین حمایتی به منظور تداوم فعالیت‌های فرهنگی و هنری و خودباوری و خودکفایی در تولید و خلق آثار پایدارساز و مبتنی بر اصول و ارزش‌های جامعه

۱۴. بهره‌گیری از دستاوردهای علمی، ادبی و هنری مثبت و سازنده و تجارب دفاع فرهنگی سایر کشورها با تعامل فرهنگی و بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و زیرساخت‌های رسانه‌ای و فضای مجازی به منظور دستیابی به سازوکارهای نوین حفاظت و حراست از موارث و ارزش‌های فرهنگی

راهبردهای پیش‌بینی شده برای ارزیابی و اولویت‌گذاری به ۵ نفر از خبرگان این حوزه با تحصیلات عالی و تجربه کاری مرتبط ارائه شد و از آنان خواسته شد ضمن تعیین درجه اهمیت ارتقای قوت‌ها و ضریب پایداری، کاهش آسیب‌پذیری‌ها و افزایش بازدارندگی در مصون‌سازی جامعه در برابر نفوذ فرهنگ مهاجم، میزان تأثیر هر یک از راهبردها را در عوامل نقاط قوت، آسیب‌پذیری‌ها و نقاط ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها نیز تعیین کنند. داده‌ها با نرم افزار تحلیل و استفاده از تکنیک TOPSIS، راهبردهای پیشنهادی ارزیابی و اولویت‌بندی شدند.



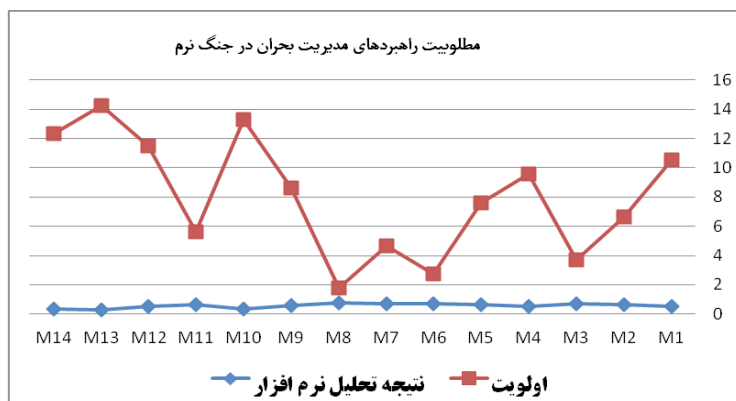
جدول ۲. ماتریس داده‌های ارزیابی راهبردهای مدیریت بحران

	کاهش آسیب پذیری	افزایش توانمندی	استفاده از فرصت‌ها	دفع تهدیدها
میانگین نمره اهمیت	0.78	0.9	0.68	0.8
وزن ضریب اهمیت	0.24683544303	0.28481012658	0.21518987341	0.2531645569
راهبردها				
M ₁	4.4	4.6	3.2	4.2
M ₂	4.8	4.8	3.2	4.4
M ₃	4.8	5	3.4	4.6
M ₄	4.4	4	3.8	4.4
M ₅	4.6	4.6	3.2	4.8
M ₆	4.4	4.4	4.6	4.4
M ₇	4.4	4.2	4.6	4.4
M ₈	4.6	4.6	3.6	4.6
M ₉	4.4	4.4	3.6	4.4
M ₁₀	3.4	4.2	3.2	3.8
M ₁₁	4.4	4.2	4.2	4.4
M ₁₂	4	4.2	3.8	4.2
M ₁₃	4.2	3.8	3.4	3.2
M ₁₄	3.8	3.4	4.4	3.2



جدول ۳. تحلیل نرم‌افزاری اولویت‌های راهبردی

M ₁₄	M ₁₃	M ₁₂	M ₁₁	M ₁₀	M ₉	M ₈	M ₇	M ₆	M ₅	M ₄	M ₃	M ₂	M ₁	
0.32	0.274	0.507	0.646	0.315	0.6	0.78	0.682	0.729	0.625	0.55	0.692	0.626	0.548	نتیجه تحلیل نرم افزار
12	14	11	5	13	8	1	4	2	7	9	3	6	10	اولویت



اولویت‌بندی گویه‌های راهبردهای مدیریت بحران جنگ نرم

بر مبنای آنچه که از بررسی نظرات نخبگان فرهنگی کشور حاصل شد، موارد ذیل به ترتیب به عنوان اولویت‌های راهبردهای نظام جمهوری اسلامی ایران در مدیریت بحران جنگ نرم پیشنهاد می‌شود:

۱. ترویج رهنمودهای رهبر انقلاب در خصوص جنگ نرم با برنامه‌ریزی عملیاتی و استفاده از تجهیزات و زیرساخت‌های فرهنگی هنری به منظور ارتقای پایداری فرهنگی و تقویت آستانه تحمل و کاهش آسیب‌پذیری در برابر عملیات روانی دشمن
۲. برقراری تعامل سازنده فرهنگی با کشورهای حوزه تمدنی و جهان اسلام با استفاده از منابع انسانی قوی و کارآمد حوزه فرهنگ برای ایجاد بازدارندگی در بیرون مرزها
۳. ایجاد وحدت و همبستگی فرهنگی حول محور فرهنگ ایرانی - اسلامی و پیشینه تاریخی کشور (فرهنگ استراتژیک) با تقویت و حفظ هویت خرده‌فرهنگ‌های بومی، محلی و قومی به منظور یکپارچه‌سازی فرهنگی و افزایش توان بازدارندگی در جنگ نرم
۴. تقویت اشتراکات اعتقادی بین دین اسلام و سایر ادیان از طریق توسعه گفت‌وگو و تعامل فرهنگی و دینی و استفاده از نفوذ فرهنگی و فکری ایران در منطقه و بین توده‌های مردم به منظور مهار جریان اسلام‌ستیزی و ایران‌هراسی در بین پیروان سایر ادیان و کاهش تهدیدات فرهنگی متوجه مردم ایران
۵. رصد روزآمد تحولات فرهنگی کشور، منطقه و جهان و تغییرات شاخص‌های مصارف فرهنگی با استفاده یکپارچه و هماهنگ از ظرفیت‌های فرهنگی کشور به منظور تکمیل اطلاعات مسئولان کشور و به حداقل رساندن زیان‌های ناشی از ضعف اطلاعات و ناهماهنگی مسئولان فرهنگی
۶. استفاده از سرمایه‌های معنوی و فرهنگی کشور (دین‌باوری مردم، پیوند با ولایت، سرمایه اجتماعی، نهاد روحانیت، بصیرت مردم و...) با تکیه بر اصل تحکیم و تعمیق روابط مردم با نظام برای مقابله با جریان‌های فکری و فرهنگی و دینی انحرافی و جلوگیری از ترویج فساد و فحشای سازمان‌یافته با هدف کاهش آثار مخرب تهاجم فرهنگی
۷. تقویت و ترویج فضایل اخلاقی و انسانی، روحیه ایثار، فداکاری و غرور ملی با استفاده از پیشینه فرهنگی دو سرمایه معنوی و آگاهی و هوشیاری مردم برای ایجاد پایداری در مقابل تهاجم فرهنگی و جنگ نرم دشمن



۸. ایجاد شناخت در مردم نسبت به ماهیت اهداف فرهنگی غرب با اجرای برنامه‌های آموزشی و پژوهشی مناسب به منظور تقویت باورهای دینی مردم و کاهش آثار تهدیدات فرهنگی

۹. جلوگیری از اختلاط اصطلاحات بیگانه با زبان فارسی و ترویج مظاهر فرهنگ و سبک زندگی غیرایرانی اسلامی در کشور با استفاده از ظرفیت‌های قانونی به منظور ایجاد بازدارندگی و کاهش آسیب‌پذیری در مقابل فرهنگ‌های مهاجم.

۱۰. بازشناسی و بازتولید فرهنگ و تمدن ایرانی و اسلامی با استفاده از فناوری‌های نوین ارتباطی و صنایع فرهنگی برای مقاوم‌سازی زیرساخت‌های معنوی، فکری و فرهنگی جامعه

۱۱. اطلاع‌رسانی مستمر و بهنگام با استفاده از ظرفیت‌های رسانه‌های دیجیتال و فناوری‌های نوین ارتباطی برای توسعه دفاع فرهنگی و کاهش آسیب‌پذیری در جنگ نرم

۱۲. بهره‌گیری از دستاوردهای علمی، ادبی و هنری مثبت و سازنده و تجارب دفاع فرهنگی سایر کشورها با تعامل فرهنگی و بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و زیرساخت‌های رسانه‌ای و فضای مجازی به منظور دستیابی به سازوکارهای نوین حفاظت و حراست از ارزش‌های فرهنگی

۱۳. توانمندسازی نیروی انسانی حوزه فرهنگ بر مبنای آموزه‌های فرهنگ ایرانی - اسلامی با پیش‌بینی آموزش‌های عمومی و تخصصی به منظور فعال کردن این حوزه در مسیر سیاست‌ها و اهداف فرهنگی کشور

۱۴. توجه به اقتصاد فرهنگ و هنر با تقویت منابع مالی و تصویب قوانین حمایتی به منظور تداوم فعالیت‌های فرهنگی و هنری و خودباوری و خودکفایی در تولید و خلق آثار پایدار ساز و مبتنی بر اصول و ارزش‌های جامعه

بدین ترتیب ملاحظه می‌شود بر مبنای اولویت‌های راهبردی مذکور و با استفاده از روش‌های مورد نظر در هر یک از گویه‌های راهبردی، نظام جمهوری اسلامی می‌تواند ضمن مدیریت بحران‌های فرهنگی، موجبات دستیابی به اهداف راهبردی در هر یک از گویه‌ها و در نهایت استقلال فرهنگی کشور را مطابق با اصول مندرج در قانون اساسی فراهم کند.



منابع

- آرون، ر (۱۳۷۰)، مراحل اساسی اندیشه در جامعه شناسی، ترجمه باقر پرهام، تهران: انتشارات آموزش انقلاب اسلامی.
- ابوالحسنی، ر (۱۳۸۸)، تعیین و سنجش مؤلفه‌های هویت ایرانی. تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک. ادیبی، م (۱۳۸۷)، جامعه‌شناسی و جنگ نیروهای نظامی. تهران: سمت.
- اسکندری، ح (۱۳۸۹)، فرهنگ اصطلاحات پدافند غیرعامل. تهران: انتشارات بوستان حمید.
- الیاسی، م. ح (۱۳۸۸)، مقدمه‌ای بر ماهیت، ابعاد و مبانی تهدید نرم، قدرت و جنگ نرم از نظریه تا عمل. تهران: نشر نی.
- بوتول، گ (۱۳۸۷)، جامعه‌شناسی جنگ. ترجمه هوشنگ فرخجسته، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- چیلکوت، ر (۱۳۷۷)، سیاست‌های مقایسه‌ای. ترجمه وحید بزرگی و علیرضا طیب. تهران: انتشارات رسا.
- خمینی، ر (۱۳۷۳) صحیفه نور. تهران: مؤسسه نشر و تنظیم آثار امام خمینی (ره).
- راسل، ب (۱۳۶۲)، جهان‌بینی علمی. ترجمه حسن منصور، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- میلسن، ژ، و همکاران (۱۳۸۸)، قدرت نرم در روابط بین‌الملل. ترجمه رضا کلههر و سید محسن روحانی. تهران: دانشگاه امام صادق.
- ساموار، ل.، پورتر، ر.، و استفانی، ل (۱۳۷۹)، ارتباط بین فرهنگ‌ها. ترجمه غلامرضا کیانی و سید اکبر میرحسینی، تهران: انتشارات باز.
- سرتو، س. و پائول، پ (۱۳۸۰)، مدیریت استراتژیک. ترجمه علی شمعخانی، تهران: دانشکده فرماندهی و ستاد دوره عالی جنگ، سپاه پاسداران.
- سلیمانی پورلک، ف (۱۳۸۶)، ایران و آمریکا در بستر تعاملات نرم‌فزاری قدرت و امنیت. فصلنامه نامه دفاع، شماره دوم، مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی.
- شریعتی، ع (۱۳۷۹)، انسان بی‌خود. تهران: انتشارات قلم، چاپ چهارم.
- شریفی، الف (۱۳۸۹)، جنگ نرم. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- شعبی، ب (۱۳۸۹)، انقلاب‌های رنگی و انقلاب. تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- شهلایی، ن.، مهرنیا، الف. ف و ولیوند زمانی، ح (۱۳۸۸)، نظریه‌های راهبردی. تهران: انتشارات دافوس.
- صالحی، الف (۱۳۸۹)، انسجام ملی و تنوع فرهنگی. تهران: پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.
- عبدالله‌خانی، ع (۱۳۸۶ الف)، فرهنگ استراتژیک. تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- عبدالله‌خانی، ع (۱۳۸۶ ب)، تهدیدات امنیت ملی. تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.
- کازمی، ع. الف (۱۳۷۶)، بحران نوگرایی و فرهنگ سیاسی در ایران معاصر. تهران: انتشارات قومس.



کوهن، ر (۱۳۸۰)، *گفتگوی فرهنگ‌ها*. ترجمه محمد علی محمدی، تهران: نشر نی.

گل محمدی، الف (۱۳۸۱)، *جهانی شدن، فرهنگ، هویت*. تهران: نشر نی.

لوکس، س (۱۳۷۵)، *قدرت، نگرشی رادیکال*. ترجمه عماد افروغ، تهران: انتشارات رسا.

مردیان، م (۱۳۸۸)، *تهدید و امنیت*. تهران: مرکز آموزشی و پژوهشی سپهبد شهید صیاد شیرازی.

مصباح یزدی، م. ت (۱۳۸۰)، *تهاجم فرهنگی*. قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.

معاونت حقوقی و امور مجلس وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (۱۳۸۹)، *مجموعه قوانین و مقررات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی*، تهران.

مقام معظم رهبری، پایگاه اطلاع رسانی، آرشیو بیانات.

مورگنتا، هر ج (۱۳۷۴)، *سیاست میان ملت‌ها*. ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.

مهدی‌زادگان، د. (۱۳۸۱)، *رهیافت نظریه ذات در فهم هویت ملی*. در: مؤلفه‌های هویت ملی در ایران، تألیف موسی نجفی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

نای، ج (۱۳۸۷)، *رهبری و قدرت هوشمند*. ترجمه محمودرضا گلشن پژوه و الهام شوشتری‌زاده، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.

هال، ر. اچ (۱۳۸۴)، *سازمان ساختار فرایند و راهوردها*. ترجمه علی پارسایان و سید محمد اعرابی. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.



Mclean, Iain (1998), *Oxford Politics*; Newyork: Oxford University Press

Price, Richard and Christian Reus – Smith (1998), “*Dangerous Liaisons? Critical International Theory and Constructivism*”, *European Journal of International Relations*, Vol. 4, No. 3.

Ringmar, Erik (1997), “*Wendt: a Social Scientist Struggling with History*”, in, Iver Neumann and Ole Waever, *The Future of International Relations*, London: Routledge.

Shrivastava, P. Mitroff, I.I., Miller, D. and A. Miglani (1988), “*Understanding industrial Crises*”. *Journal of Management Studies*, Vol 25, No. 4 .

Smith, Lillian (1963), *Killers of Dreams*, New York

Wendt, Alexander (1995), “*Constructing International Politics*”, *International Studies Quarterly*, Winter, Vol.19, No.3.

I.R.Iran Strategies for Crisis Management in Soft War

Shahrooz Shariati¹

Mohammad Azimi Taraghdari²

Abstract

Although the nature of the cultural crises is totally different from that of disasters like fire, flood and earthquake, it seems that cultural crises must be considered among those which require a careful management as they cause uncompensable damages to the social assets of the nations in mid- and long-terms. Meanwhile, since the entity of culture has had an undeniable role in the victory of Islamic Revolution of Iran and its continuation, and acts as a pivotal and dominant entity in every social affiliation and reform, the enemies of the Islamic Republic of Iran continuously struggle to make crisis in the country by spreading the Western Culture and through changing the beliefs of the people and thus endanger the independence of the country as well as the outcomes of the revolution. This is while no comprehensive strategies have been provided to realize the management of the cultural crises or immunize the society against the invading cultures. This paper aims to provide optimized strategies for crisis management and immunizing the society against alien cultural invasions. As a case study, and using the field method, after studying various viewpoints and opinions, an environmental study by sending questionnaires, and taking interviews, the weaknesses and strengths, the cultural vulnerabilities, and the threats and opportunities were counted using the Delphi technique and crisis management strategies and immunizing the society against the invading cultures were provided.

Keywords: Iran, Soft War, Crisis Management, Culture



Cultural Research

17

Abstract

1. Assistant Professor of Political Science, Tarbiat Modares University, shariati@modares.ac.ir

2. PhD Student of Strategic Management, Supreme National Defense University.

M.Azimi.t@gmail.com